

لیدیآر، دیاموند، نمایشنامه نویس:

فرصت های اقتصادی در کشور ما از بیشتر سیاهپوستان دریغ می شود

تجربیات من از تئاتر هیچ فرقی با تجربیاتم در مورد جهان در کل ندارد، بدان معنا که بازگردن راه خود در دنیای نژادپرستانه و جنسیتی بسیار دشوار است. آنچه در دوره شغلی ام دیده ام، نژادپرستی ذاتی و تبعیض جنسیتی در همه سطوح تئاتر آمریکایی است. این مرا غمگین می کند. من اغلب از سفیدپوستان در تئاتر می شنوم که «مانمی دانیم چه باید کرد»، به این دلیل که همه سیاهپوستان فرصت های شغلی به دست می آورند.» اما فقط تعداد اندکی از این فرصت ها بهره مند می شوند و این تکان دهنده است. هر ثانیه از دوران کاری من یا نوعی از تبعیض نژادی عجین شده است که در آمریکا بسیار فراگیر است. این برهه که جهان در حال انفجار است، حاصل سرکوب شدن و محرومیت در راهی است که ما به عنوان رنگین پوست در دنیا در پیش گرفته ایم، بحرומیتی که بیشتر همکاران آمریکایی-آفریقایی پارنگین پوستم آن را چشیده اند. سال ها این گونه بود که اگر من چیزی برای ارایه داشته م، محل آن کمپانی های کوچک تئاتر بود و امثال من امکان حضور در کوچک ترین تئاتر یک کمپانی را داشتیم. اتفاقاتی که من از آنها به عنوان فرصت یاد می کنم.

تبعیض نژادی شامل هر کاری در هر سازمانی است یا اقرار به اینکه گاهی درون آن سازمان ها از من حمایت شده است، امکان رشد داشته ام و برابرم آوایی هنری بوده است. آمریکا درگیر نژادپرستی سازمانی و اجتماعی است. گفتن این حرف ها باعث می شود در آینده هرگز نتوانم در برادری کار کنم، اما اکنون زمان بیان حقیقت است. در هر جایی تبعیض نژادی و نبودن فرصت وجود دارد و ما می دانیم که در GreatWhiteWay (نام قسمتی از برادری که در میدان تایمز واقع است)، بسیار بیشتر است. دنیای ما به دست سفیدپوستان اداره می شود و شروط بسیار زیادی دارد. فرصت های اقتصادی در کشور ما از بیشتر سیاهپوستان دریغ می شود. همین و بس! ایبینداز میان برندگان جایزه پولیتزر در نمایشنامه نویسی و برندگان جایزه Genius Grant در نمایشنامه نویسی چه کسانی آفریقایی-آمریکایی هستند و از میان افرادی که این عنوان را کسب کرده ام امکان اجراد برادری داشته اند، چه کسانی سفیدپوست و چه کسانی سیاهپوست هستند. در نخستین روز تمرین نمایش ها، کل گروه بازیگران وارد اتاق می شوند و با یکدیگر دیدار می کنند؛ سپس نمایشنامه را می خوانند. همیشه در آن اتاق ها ۸۰ درصد افراد سفیدپوست هستند. در هر حال سازمان هادر این زمینه با هم تفاوتی ندارند. دنیای تئاتر از آدم های واقعا باهوش ساخته شده است. آنها می دانند چطور مردم را اوار کنند و صدی ها را باقی می ماند. ۵۰ تا ۵۰ دلار بخزند و می دانند چه باید کرد تا نژادپرست نبوده، اما برای این کار سرمایه گذاری واقعی انجام نمی شود. همچنین عملکرد کشور ما مهم است. من نمایشنامه ای با عنوان «آدم های باهوش» نوشتم. این نمایش در «آف برادوی» (سالن های تئاتری در منهن تن نیویورک دارای ظرفیت ۴۹۹۹ نفر) تئاتر ها کوچک تر از تئاتر های برادوی هستند. پروژه های آف برادوی در صورت موفقیت به تئاتر های برادوی منتقل می شوند) اجرا شد. جان کلام این نمایش این بود که اگر رهبران سفیدپوست، موسسه ها و نهادها و به طور کلی سفیدپوستان به پذیرفتن عمیق نوعی از برتری سفید اعتراف می کردند که آنان را مجاب می کند به نهادها اجازه دهند فراگیر و منصف نباشند- شاید می توانستیم امور را اصلاح کنیم، این به معنی تغییر نهادی واقعی است؛ این که لان در نمایش سه ده ستیار سیاهپوست وجود داشته باشد. من خیلی معتقد نیستم که ساختار کنونی تئاتر این را بخواهد. سازمان ها هنوز آن طور که باید نیستند. □

کئی لئون، کارگردان تئاتر:

تسلیم برادوی نمی شوم تسلیم آمریکانمی شوم

رواق «زندگی همه مهم است» (اشاره به جنبش Black Lives Matter «زندگی سیاهپوستان مهم است») که از جامعه سیاهپوستان آغاز شد، برای من یک نقطه عطف بود و نژادپرستی علیه سیاهپوستان فعالیت می کند) اما این چیزی نیست که می خواهم درباره اش حرف بزنم. ما درباره خانه های سیاه در ردیفی از خانه ها، در خیابانی، حرف می زنیم؛ آن خانه سیاه میان آتش است و به مدت ۴۰ سال در آتش بوده است. برای اطفای این حریق به توجیه تدبیر و مینوری نیاز است؛ منظور من این بی عدالتی نژادی است. پیامی که می خواهم به برادران و خواهران سیاهپوستم بدهم این است که میراث آنان ریشه در بی عدالتی نژادی دارد و کسانی برای ۴۰ سال در خط مقدم مبارزه با نژادپرستی بوده اند. از اجاد امن تا کنون به دوستان سفیدپوست و همکارانم می گویم برای خلق جهانی عادلانه تر به کمک آنها نیاز دارم. تجربیاتم می گوید اگر شهروندان سفیدپوست با خود صادق باشند، می توانند خرد اندازی های رایج را به یاد بیاورند که رنگ و بوی نژادپرستانه داشته و آنها هیچ درباری آن نگفته اند. گاهی اوقات این نژادپرستی در زمین گلف بوده است، گاهی در اتاق تمرین تئاتر و گاهی در جلسات گروهی. اما الان، وقتی گوش جهان با ماست، می توان در این باره بحث و گفت و گو کرد. مخصوصا درباره برادوی، باید تعامل و گفت و گو وجود داشته باشد و دیگر نباید فقط یک راه در پیش باشد. دوستان نیک خواه سفیدپوست من به اندازه کافی به آنچه با یک گوش نرسیده اند. در تئاتر باید تنوع بیشتری ایجاد شود. تئاتر نیاز به تنوع در قصه گویی دارد. نباید همیشه گفت و گو و مباحثه در این زمینه تحت تأثیر پول باشد. ما نیاز به صداهای مختلف در همه مذاکرات و مجموعه قوانین داریم و فکر می کنم می توانیم آن انجام دهیم. البته من نژادپرستی را تجربه کرده ام. تو نمی توانی در آمریکا زندگی کنی و به عنوان فردی سیاهپوست تبعیض نژادی را تجربه نکنی. من شرکت بزرگ تئاتر منطقه ای را اداره کرده ام. بسیاری از مردم در آن محیط چه سفیدپوست و چه سیاهپوست بسیار راضی و خوشحال بودند، اما من تهدید به مرگ شدم. این تهدید به صورت دست نوشته بود و در آن گفته شده بود: «وقتی ما به تئاتر می آییم، من خواهیم آنچه متعلق به ماست ببینیم، نه تعدادی را کون (کاکاسیاه) متکبر، ژرور و سمج را.» زمانی که تهیه کنندگان و تئاتر های محلی تورا به عنوان فردی مستقل فارغ از نژاد خاصی نمی بینند و فقط رفتار نژادی تو برایشان اهمیت دارد، فکر می کنم با شکلی از تبعیض نژادی روبه روهستیم، همچنین زمانی که به سیاهپوستان و رنگین پوستان فرصت ندی درباره کاری که خلق شده است بنویسند، نیاز است افرادی بیشتری با تفکرات مختلف درباره آنچه روی صحنه است، بنویسند. من به طرز افراط گراییانه ای نیک بینم که ریشه در درون من دارد و می گوید حق پیروز خواهد شد. ما به این نقطه خواهیم رسید. من تئاتر محلی را رها نخواهم کرد؛ دست از تئاتر آف برادوی نخواهم کشید؛ تئاتر برادوی را ترک نخواهم کرد؛ آمریکا را ترک نخواهم کرد؛ تسلیم دنیا نخواهم شد؛ اما فکر می کنم صدای ما شنیده خواهد شد. فکر می کنم همه به این نقطه خواهیم رسید. ما داستان شرابیم و این فرصت بزرگی است برای هنرمندان که رویایشان را بسازند. دنیایی را می بینم که در آن زانوی کسانی که تصور می شد ما محافظت می کنند، روی گردن مان نباشد. □



چهار نمایشنامه نویس، کارگردان، کارگردان هنری و بازیگر سیاه پوست تجربیات شان را به اشتراک می گذارند

دنیای ما به دست سفیدپوستان اداره می شود

[مترجم: فرشته کیانی] تأثیر قوم و تبار و تبعیض نژادی بر آفریقایی-آمریکایی هایی که در تئاتر جهان کاری می کنند، چه بوده است؟ دنیا چگونه باید تغییر کند؟ این پرسش ها از زمان کشته شدن جورج فلویید، احمد آری (جوان بیست و پنج ساله سیاهپوست که بیست و دوم فوریه هنگام ورزش در پارکی در شهر برانزویک، دومرید سفیدپوست او را با شلیک گلوله کشتند)، برونا تیلور (تکنیسین پرشکی اورژانس آفریقایی-آمریکایی، بیست و شش ساله که افسران اداره پلیس در تاریخ سیزدهم مارس ۲۰۲۰ او را به ضرب هشت گلوله از پا در آوردند) و اعتراضات سراسری به بی عدالتی نژادی که همچنان ادامه دارد، مجدداً و با شور و حال بیشتری مطرح شده است. چهار چهره آفریقایی-آمریکایی تئاتر، مستقر در نقاط مختلف ایالات متحده و دارای مشاغل گوناگون، نظریات خود را در این زمینه به اشتراک می گذارند.

منبع: نیویورک تایمز

جلانی آلاندین، بازیگر تئاتر:

خواسته هایمان را روی میز می گذاریم

نویسنده، کارگردان، طراح حرکات موزون و مدیر صحنه سیاهپوست و رنگین پوست موجهیم؟ چرا اغلب سیاهپوستان و رنگین پوستان پس زده می شوند؟ زمانی که مادر باره برادوی حرف می زنیم، یک چیز را هرگز نمی توان از آن جدا دانست و آن دلار آمریکاست. برادوی بنگاهی تجاری است. آن گونه که دریافت هم برادوی باید پولساز باشد اما سال ها است برادوی به ما گوشه زد می کنند؛ هیچ کس نمی تواند در آنجا کارگردانان، طراحان حرکات موزون، مدیران صحنه و بازیگران سیاهپوست و رنگین پوست پولساز نیستند؛ باوری اشتباه و نژادپرستانه که به معنی از دست دادن فرصت بهره بردن از قدرت همکاری است. چه تعداد از هنرمندان سفیدپوست پیش از موفقیت های بزرگ، بارها و بارها فرصت آزمون و خطا دارند؟ این فرصت برای سیاهپوستان و رنگین پوستان یک بار است و این نا عادلانه است. علاوه بر این اگر شما عمیقاً وارد این هنرمندان سیاهپوست و رنگین پوست از مهارت های لازم برخوردار نیستند پس امکاناتی برای آموزش آنها فراهم کنید؛ من علاقه مند به ساختن، رشد و بالندگی هستم. مراد عوت کنید تا یاد بگیرم. سپس به من فرصت دهید روی صحنه بروم. بیش از یک بار و بدون اینکه مراد تنگن قرار دهید؛ زیرا حقیقت ما جرای این است که شما به دنبال بهانه برای به زیر کشیدن ما هستید. آخراز همه آنکه دلم می خواهد توجه بیشتری ببینم؛ آرزویی که ممکن است ساده و پیش پا افتاده به نظر برسد، اما این از آداب اولیه روابط انسانی است که آدم ها اغلب از آن عبور می کنند. هنوز وقتی در شبکه های اجتماعی مرا متهم به توهین نژادی در نمایش Frozen (اقتباس تئاتری از انیمیشن محبوب و پرفروش دیزنی که در برادوی روی صحنه رفت و جلانی آلاندین در آن ایفای نقش کرد) می کنند، من باید آن را ببینم، کارم را مطابق انتظار انجام دهم و این مسائل را بر سر می نکنم تا بعداً! بهتر است بیشتر توجه تو کنیم. □

سارابلای، کارگردان هنری:

هنرمندان سیاهپوست زخم خورده! به خانه برگردید

ویلسون را در کتاب «The Ground On Which I Stand» (کتابی انتقادی درباره تئاتر) درک می کنند. من این کتاب را بیش از چهار بار در طول دوران کاری ام خوانده ام. آنچه درباره قیام جمعی اخیر هنرمندان سیاهپوست - که نمایندگان آزاد آن را پیش می برند، هنرمندان منحصربه فردی که در تئاتر های محلی و برادوی کاری می کنند- دریافت ام این است که به نظر می رسد آنها به دنبال جایگاهی هستند که دستوری و فرمایشی نباشد و برایشان نسخه نپیچند. آنها جایگاهی واقعی خودشان را طلب می کنند؛ نه اینکه به برایشان تعیین تکلیف شود. آگوست ویلسون خواستار ادغام تئاتر سیاهان با تئاتر سفیدپوستان نبود. او می گفت: «برای تئاتر سیاهپوستان سرمایه گذاری کنید. تئاتر سیاهان زنده و جوشان است، اما برای آن سرمایه گذاری نمی شود.» من از هنرمندان مستعد سیاهپوست، کسانی که در تلاش برای بازگشت به خانه خود، برادوی، زخم خورده اند، دعوت می کنم به نهاد ما- جایی که می توانیم آنها را پرورش دهیم- بیایند و در آنجا سرمایه گذاری کنند؛ ما واقعاً به کمک آنها نیاز داریم. من میان تئاتر سیاه و نمایشنامه هایی که سیاهپوستان در آن ایفای نقش می کنند، فرقی نمی بینم. در تئاتر سیاهان همیشه بر عدالت و تعالی اجتماعی تأکید می شود. در صورتی که نمایش هایی که سیاهپوستان در آن نقش ایفا می کنند، ممکن است به جامعه سیاهپوستان آسیب بزنند. اگر سازمان های سفید در راه آگاهی بخشی، آموزش و فعال سازی مخاطبان سفیدپوست کوشا باشند، به ما در پیامودن این راه طولانی به سمت هدف کمک خواهند کرد؛ هدفی که سوق دادن مخاطب سفیدپوست به سمت گفتن از سپیدی است. ما آستین ها را بالا می زنیم و با سفیدپوستان برای برقراری عدالت نژادی مبارزه با برتری سفیدی و اندیشه ضد سیاهان همکاری می کنیم. □

مردم منام می پرسند سخن بر سر چیست؟ پرسشی بسیار اندوهناک و نژادپرستانه. سخن همانی است که همواره بوده است: از زمانی که نخستین برده با خاک پر از ریش این سرزمین به فانی رفته گذاشت. پیام این است: برگذار آزادباشیم (عنوان پنجمین آلبوم روبرین ویلسون نوازنده آرگ سیاهپوست آمریکایی).

سخن این است که اصلاح را از سیستم های آمریکایی شروع کنید که بر مبنای دور نگه داشتن سیاهپوستان از دنیای نمایش، سینما و تصویر ساخته شده اند. تحول را از نظام سرمایه داری، سیاست و برادوی آغاز کنید. سخن این است که فضای گفت و گو را پاکیزه کنید تا بتوانیم کنار شتاب پیشینیم و از به ثمر نشستن بذریه ای که اجدادمان با هدف شکوفایی کشور گذاشتند، لذت ببریم؛ بذریه ای که برای مدتی مدید فقط شما، طبقه ممتاز سفید، حاصل آن را درآورده اید. من بیست و هفت ساله ام و شغلم بازیگری است، اما در تمام دوران کاری ام فقط یک بار در برادوی روی صحنه رفته ام. روایت های بسیاری از رفتارها و سخنان نژادپرستانه در سینه دارم که حقیقتاً هیچ علاقه ای به آنها ندارم؛ بزخم هایی که التیام یافته است. حلالا تلاش می کنم از ضربه خوردن خودم منو انعم در وضع موجود جلوگیری کنم. چگونه چانه زنی کنیم؟ چگونه دوباره شروع کنیم؟ چگونه اشتباهات را اصلاح کنیم؟ ما با خواسته هایمان پای میز مذاکره می آییم. خواسته های من در سه کلمه خلاصه می شود: گفت و شنود، تشریح مساعی و اهمیت دادن به مشکلات. در صورت محقق شدن این خواسته میان سیاهپوستان، هنرمندان رنگین پوست و سفیدپوستان تعامل برقرار می شود. بدون تهیه کنندگان، نویسندگان، کارگردانان، طراحان حرکات موزون، مدیران صحنه و بازیگران نمایش روی صحنه نخواهد رفت. اما این موقعیت های شغلی نصیب چه کسانی می شود؟ چرادر آمریکا کما کم به تهیه کنند،

چند سال پیش نقدی برای نمایشی نوشته که یک صحنه ای در مینیاپولیس آغاز می شد که در آن افسر پلیس مرد جوانی را می کشد و سپس شهر در آتش می سوخت. در آن زمان، من با خود می گفتم هرگز چنین چیزی در مینیاپولیس اتفاق نمی افتد. یاد آن زمان احتمال نمی دادم چنین اتفاقی در آنجا رخ دهد. منظور من این است که مطمئناً پلیس خضونت دارد، اما نه در حد به آتش کشیدن شهر، اما حالا ما در این موقعیت قرار گرفته ایم. با این حال فکر می کنم مردم این اتفاقات را می بینند. افرادی را می بینم که از یکدیگر مراقبت می کنند و جامعه را به حرکت درمی آورند. فکرمی کنم ما به تمرکز عمیق بر حل مسائل نژادی و توجه به آسیب پذیرترین افرادی داریم؛ مدتی است به این مسأله آگاهی ام. ما بسیار خوشحالم که بیشتر مردم در سراسر کشور فهمیده اند که مینه سوتا از من دشوار نابرابری های بسیار عمیق برای سیاهپوستان آمریکایی است، نابرابری در زمینه هایی چون مسکن، کار، بهداشت، مجازات ها و... طبق روال متداول کار هنری ما برای او درباره سیاهپوستان آغاز کردم و همه استقبال کردند. فرصت یافتم تا مورد توجه باشم، تلاش و آزمون و خطا کنم و امکاناتی در این راه به من داده شده که بسیاری از آن برخوردار نشدند. اما حالا، ما هنرمندان رنگین پوستی را می بینیم که به سازمان های تئاتری، که به هدایت سفیدپوستان شکل گرفته است، نزدیکند. من پیامی از سفیدپوستان قدرتمند و اعمال نفوذ سرمایه رشد نکرده ام بنا بر این انواعی عدالتی را که باین هنرمندان یا استعداد در تئاتر های سفیدپوستان دیده اند، تجربه نکرده ام. فکرمی کنم هیچ کسانی که به نوعی وابسته به سازمان ها هستند و آتهایی که به عنوان عوامل آزاد فعالیت می کنند، تنش بنیادی وجود دارد. مفتخرم به اینکه هنرمندان سیاهپوست در تئاتر آمریکا پا بر جایند. مردم اکنون خطابه انتقادی آگوست